

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Role of the Shanghai Cooperation Organization in Strengthening Dialogue and Securing the Interests of Iran and Tajikistan

Mahmod Shahbandim^{1*}

1. PhD from the Russian Federation. Research member of the Center for Advanced International Studies, University of Tehran.

* Corresponding Author's Email: shahbandim@yahoo.com

ABSTRACT

The main objective of this article is to examine the impact of communication and dialogue on securing the interests of Iran primarily, and Tajikistan secondarily, while exploring the means of achieving this aim. In the process of analyzing Iran and Tajikistan and conducting related research, it is essential to consider certain caveats due to the perspective shaped by the geopolitical position of these two countries. Within this framework, Tajikistan, considering its type of political development and its existing cultural and historical ties with Iran—as a nation with a deeply rooted and powerful heritage and one of the greatest regional civilizations—holds a significant local and regional identity. Therefore, the focus is not solely on dialogue per se; rather, the issue of connection inherent in dialogue at the regional level is of primary concern. The investigation must address the presence of elements involved in this connection and political dialogue, the goals and instruments of political dialogue, theoretical identification systems, and the methodological framework based on political interaction. The analysis of this political dialogue as a form of cultural discourse and its characteristics within a regional organizational system must be undertaken. This would enable a contextual understanding of the social, political, and regional environments of both Iran and Tajikistan, as well as their respective interests and the extent of their influence. It would also serve to encourage political dialogues through the utilization of regional political instruments, particularly the Shanghai Cooperation Organization (SCO), as a means to reinforce such communication. It should also be noted that the presence of Russia and certain other powers plays an influential role in facilitating this process.

Keywords: Political dialogue; Iran and Tajikistan; Regional relations; Shanghai Cooperation Organization; Interests

How to cite: Shahbandim, M. (2024). The Role of the Shanghai Cooperation Organization in Strengthening Dialogue and Securing the Interests of Iran and Tajikistan. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(1), 17-33.



تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

نقش شانگهای در تقویت فرایند گفت‌وگو و تأمین منافع ایران و تاجیکستان

محمود شهبندی^{*۱}

۱. دکتری از فدراسیون روسیه، عضو پژوهشی مرکز مطالعات عالی بین الملل دانشگاه تهران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: shahbandim@yahoo.com

چکیده

هدف اصلی این مقاله، بررسی تأثیر ارتباط و گفت‌وگو در مسیر تأمین منافع ایران در درجه نخست و تاجیکستان در مرحله بعد است و راه‌های دستیابی به این امر بررسی می‌شود. در روند بررسی ایران و تاجیکستان و تحقیقات به عمل آمده، به دلیل نوع دید از دریچه موقعیت ژئوپولیتیکی این دو کشور، ملاحظات باید در نظر گرفته شود. در این روند، کشور تاجیکستان، با توجه به نوع توسعه در فضای سیاسی موجود آن، و با عنایت به ارتباط و اشتراک موجود با کشور ایران، به لحاظ فرهنگ دیرینه و قوی و یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های منطقه‌ای و محلی، نیز به حساب می‌آید. لذا صرفاً تنها گفت‌وگو مدنظر نیست، بلکه بحث ارتباط، در کنه گفت‌وگو، در سطح منطقه مورد نظر است. بررسی وجود عناصر دخیل در این ارتباط و گفت‌وگوی سیاسی، هدف و ابزارهای گفت‌وگوی سیاسی، تجزیه و تحلیل سیستم شناسایی نظری و روش‌شناختی مبتنی بر گفت‌وگوشنود سیاسی؛ تجزیه و تحلیل این گفت‌وگوی سیاسی به عنوان یک شکل از گفت‌وگو فرهنگی و ویژگی‌های آن در یک سیستم سازمان منطقه‌ای، می‌بایست به بررسی کشیده شود تا شرایط ایران و تاجیکستان، در بستر اجتماعی، سیاسی و منطقه‌ای، و منافع هر دو و سطح تأثیرات آنان، جهت تشویق به گفت‌وگوهای سیاسی، با نمونه ابزار سیاسی منطقه‌ای (سازمان همکاری شانگهای)، تقویت این گفت‌وگو ارزیابی گردد. ضمن این‌که وجود کشور روسیه و برخی قدرت‌ها نیز در گشایش این امر ذی‌نفع هستند.

کلیدواژگان: اسناد رسمی، قانون، شفافیت، امنیت، برابری.

نحوه استناددهی: شهبندی، محمود. (۱۴۰۳). نقش شانگهای در تقویت فرایند گفت‌وگو و تأمین منافع ایران و تاجیکستان. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۱)، ۱۷-۳۳.

هجوم‌های خارجی بکاهد. از این‌رو، می‌بایست به‌جهت تقویت ارتباط بین کشورهای منطقه، خصوصاً تاجیکستان و ایران، بر عناصری مانند فرهنگ، زبان، ارتباطات بین‌دولی و حضور پررنگ در سازمان‌های بین‌المللی، که بر تقویت گفت‌وگوی سیاسی (Хамза, 2002) می‌افزاید، تأکید نمود.

بررسی ادبیات موضوع و عناصر دخیل در ایجاد گفت‌وگوی سیاسی

عناصر جامعه همچون «فرهنگ»، «ارتباطات»، «گفت‌وگو» و «نگرش»، با درک صحیح از گفت‌وگوهای سیاسی به‌عنوان یک مکانیسم برای بهره‌برداری از پدیده‌های اجتماعی و سیاسی در جامعه قلمداد می‌گردد. در واقع، گفت‌وگوهای سیاسی در اشکال و مظاهر مختلف نمود پیدا می‌نماید که تنها به یک عمل منحصر به فرد متکی نیست، اما عملاً به‌صورت «روزمه و در آغوش واقعیت‌ها» نهفته است. بر این اساس، تسلط بر هنر گفت‌وگو از موارد مهم است و به‌عبارت دیگر، تجدیدنظرهای اخلاقی، افعالی و انتزاعی است، اما می‌توان «نیازهای عملیاتی»، به‌ویژه در حوزه سیاسی را در آن به‌کار بست. گفت‌وشنود سیاسی یک پدیده اجتماعی یا فرایندی است که در آن و از طریق آن، امور آشکار اجتماعی، اقتصادی، روانی، سیاسی و دیگر قوانین، ملحوظ است. گفت‌وگوهای سیاسی و ویژگی‌های آن برای بررسی در یک علم خاص، به استفاده از روش‌های مختلف علوم سیاسی، فلسفه، روان‌شناسی و علوم دیگر نیازمند است و یکپارچه‌سازی آن‌ها می‌تواند به‌طور موفقیت‌آمیزی به حل مشکلات یاری رساند.

حال، در روند بررسی ایران و تاجیکستان و ارتباطات حاصل از تحقیقات، به دلیل نوع دید از دریچه موقعیت ژئوپلیتیکی این دو کشور، ملاحظات لازم را باید مدنظر قرار داد. در این روند، کشور تاجیکستان، با در نظر گرفتن نوع توسعه در فضای سیاسی موجود آن و با عنایت به ارتباط و اشتراک موجود با کشور ایران، به لحاظ فرهنگ دیرینه و قوی و یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های منطقه‌ای و

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، هم‌اکنون نیز قدیمی نشده است. در آن زمان، علاوه بر اینکه جهان را وارد مرحله جدیدی نمود، نشانه بزرگی بود بر عدم تفاهم در گفت‌وگوی سیاسی بین دو کشور آمریکا و شوروی و تجربه‌ای بود برای دیگر کشورها که با اقتباس از گفت‌وگوی بین کشورها، به تقویت روابط خویش پردازند. با درگیری‌های اخیر (آوریل ۲۰۱۴ تا جنگ زمینی روسیه با اوکراین) در جدایی‌خواهی اوکراین از فدراسیون روسیه، که خود یکی از اعضای اصلی فدراسیون روسیه می‌باشد و خواهان انضمام آن کشور به اروپای متحد است، نشان از به‌روز بودن این مطلب دارد و بحث تقویت گفت‌وگو (Шахрамния, 2007) را می‌بایست به‌عنوان تری که کشورهای منطقه را از درگیری و جنگ برهاند (Моисеев, 2010)، همچنان پیشنهاد نمود.

فروپاشی شوروی شرایط خوبی در عرصه‌های مختلف فرهنگ و تمدن برای سیاست‌گذاران این کشورها، خصوصاً تاجیک، در سطح بین‌الملل و به‌ویژه کشورهای هم‌زبان خود همچون ایران گشود تا بتوانند باب گفت‌وگو و ارتباط را در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی بیش‌ازپیش تقویت نمایند. ایران، کشوری است که به لحاظ تاریخی می‌تواند خلأ هویت تاجیکان را، با توجه به اشتراکات فرهنگی (Сажина, 2002) پر نموده و زمینه‌ساز تقویت ارتباط دو کشور به‌صورتی اصولی گردد. علیرغم پیشنهادات گفت‌وگوی سیاسی متقابل ایران و تاجیکستان (Mousavi, 2003)، قبل و پس از به قدرت رسیدن مجدد امام‌علی رحمان در انتخابات ۲۰۱۴ میلادی (farsi-news.org)، اما هم‌اکنون نیز این ایران است که می‌تواند در زمینه هویت‌یابی و ملت‌سازی تاجیک‌ها، که در معرض طوفان فرهنگ روسی، ترکی و ازبکی تحت فشار هستند، به‌عنوان پایگاه فرهنگی هم‌خوان و هم‌خانواده عمل نماید. تاجیکستان می‌تواند با تقویت گفت‌وگوی سیاسی و فرهنگی بین خود و ایران، از ورود و یا تأثیر این

محلی، نیز به حساب می‌آید. بنابراین، تجزیه و تحلیل گفت‌وگوهای سیاسی در تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران و جمهوری تاجیکستان، نیاز به پیش‌بینی بلندمدت منطقه‌ای و جهانی دارد؛ زیرا تحلیل عملکرد برخی کشورها، با توجه به نوع ارتباط مبتنی بر «رفتار» (مانند ایالات متحده با کشور ایران)، از جمله مؤلفه‌هایی است که در رابطه با فدراسیون روسیه، تأثیر و تأثر خواهند داشت و نمی‌توان آن را از ذهن تحقیقی دور داشت. از این‌رو، در سطح تحقیق علمی و نظری، در واقع، اولاً: توضیح دولت واقعی در امور و پویایی روابط ایران و جمهوری تاجیکستان مؤثر است و مطالعه و تجزیه و تحلیل آن، با چگونگی فرایند، سطح و عامل اصلی یعنی گفت‌وگوهای سیاسی به‌عنوان شرکای برابر در فرض، با هر دو به‌طور کلی و منافع موردنظر، می‌بایست بررسی گردد. ثانیاً: در میان تمام سطوح، مؤلفه «گفت‌وگو» مهم است، به‌ویژه اینکه در تحقیقات علوم سیاسی، تکنیک‌ها و ابزارهای جدید، تحلیلی از ویژگی‌های کیفی گفت‌وگوهای سیاسی را نیز می‌توان فراهم آورد. به این ترتیب، نوع ارتباط، از موضوع تحقیق مهم و تعیین‌کننده است. از یک‌سو، نوع اهمیت از یادگیری اصول گفت‌وگوهای سیاسی، به‌عنوان یک سازوکاری مورد بحث است که برای حل و فصل مشکلات اجتماعی و سیاسی کاربرد دارد. از سوی دیگر، به دلیل نیاز به تجزیه و تحلیل جامع از فرایند پیچیده گفت‌وگوهای سیاسی، عملکرد ایران نیز مدنظر است. در نتیجه، مسائل پیچیده در ارتباط با تغییرات در اوضاع سیاسی و در آسیای مرکزی، بخش ژئواستراتژیک، و در روابط ایران و جمهوری تاجیکستان، تعیین‌کننده ارتباط خاصی از موضوع این پژوهش است و نوع درجه پیچیدگی از موضوعات علمی را در بر می‌گیرد. مشکلات مربوط به پویایی روابط بین‌المللی در هر نوع عمل سیاسی، هدف توجه پژوهشگران علوم سیاسی از این روند می‌باشد. تجزیه و تحلیل از ادبیات علمی در موضوع سؤال، منجر به این نتیجه می‌شود که دولت، از پیچیدگی ابزار علمی موجود،

می‌تواند توسط فرایند گفت‌وگوهای سیاسی در سیاست ایران بهره‌برد. اکنون، این موضوع در تقویت روابط بین‌الملل بسیار مهم به‌نظر می‌رسد. به‌عبارت دیگر، این تحقیق نوعی پیشنهاد، پیش‌بینی و چشم‌اندازی در فرایندهای جدید سیاسی است. در این تحقیق، مبنای اصلی بررسی ما، با عنایت به نقش گفت‌وگو، با تأکید بر منافع ایران و تاجیکستان، عناصری دخیل همچون وضعیت داخلی و خارجی دو کشور، و شرایط هر دو در سازمان همکاری شانگهای است و اینکه گفت‌وگو، به‌عنوان یک شکل از تعامل در سیاست و روند، به‌صورت پروسه، گفت‌وگوی خاص سیاسی، مؤثر می‌باشد و باید مدنظر قرار گیرد.

الف. هدف از این مطالعه - با توجه به وضعیت داخلی و خارجی ایران و تاجیکستان، و تأکید بر تقویت ارتباط سیاسی در سطح منطقه و سازمان شانگهای و اعضا، تمرکز اصلی بر کشور تاجیکستان و ایران و مؤلفه اصلی در منافع متقابل خواهد بود.

ب. موضوع مطالعه - سازمان همکاری شانگهای نقطه عطفی جهت گفت‌وگو و تقویت ارتباط، به‌عنوان یک شکل از تعامل در سیاست و روند، به‌صورت پروسه خاص سیاسی است.

ج. هدف از تحقیق - شناسایی ویژگی‌های ارتباط و گفت‌وگوهای سیاسی در روابط بین کشورها، به‌ویژه منطقه آسیای مرکزی و تنوع قومی (Koolae, 1997) و جمهوری تاجیکستان می‌باشد که تأکید اصلی بر تقویت منافع متقابل دو کشور ایران و تاجیکستان و نقش این سازمان است.

گفت‌وگو در برخی نظریات معاصر: این موضوع در تفکر سیاسی معاصر در درجات مختلف مطرح شده و تأکید بر گفت‌وگوهای سیاسی به‌عنوان یک مکانیسم برای حل مسائل سیاسی نقش دارد (Сейеда Садега, 1991; Хамза, 2002). در این آثار (ایرانی و غیرایرانی) از روش‌های مختلف، ابراز نگرانی در مورد کیفیت، تمرکز و اهداف نهایی گفت‌وگو با توجه به باورهای دینی، اخلاق و اهداف دیده می‌شود (Сажина, 2002). به‌طور

تقریباً ۹۰ سال است که بررسی موضوع خاصی از تحلیل اجتماعی و سیاسی در جریان است. این روند تقریباً از سال ۱۹۸۵ به یک فرایند تبدیل شده است. در همین حال، در فلسفه گفت‌وگو و اقدامات سیاسی در اشکال مختلف «بین‌الذهانی»، عنصر «ارتباط» و «مفاهیم» دیگر از مواردی است که به چشم می‌خورد. اولین گام در این مطالعه از گفت‌وگوهای سیاسی، تجزیه و تحلیل اجتماعی و سیاسی در تاجیکستان مهم به نظر می‌رسد (Махмадов, 2010; Моисеев, 2011).

به‌طور کلی، درک دیدگاه‌ها در زمینه گفت‌وگوی سیاسی، توسعه بسیاری از مسائل، از جمله گفت‌وگوهای سیاسی که مرتبط با آن است، همچنان باقی خواهد ماند و هنوز رتبه‌بندی نشده است. این بدان معناست که گفت‌وگوهای سیاسی در جهان مدرن، دارای اهمیت اجتماعی هستند. اما این ارزش تنها در توسعه جامعه از طریق گفت‌وگوهای سیاسی به‌عنوان ابزاری برای حل تعارض و منازعات آغاز می‌شود که در میان مردم، به‌عنوان یک ارزش اجتماعی تحقق می‌یابد.

گفت‌وگوی سیاسی: عموماً کلیه کشورها، پس از دوره‌های عدم دستیابی به توافق، چنانچه به دنبال جنگ نباشند، از روش گفت‌وگوهای سیاسی استفاده می‌نمایند. این امر ممکن است حتی دو کشوری را که مدتی در جنگ بوده‌اند نیز به پای میز مذاکره و گفت‌وگو بکشاند. در این روند ممکن است از ابزارهای متعددی استفاده گردد. بهره‌گیری از گفت‌وگوهای سیاسی در تشکلهای بین‌المللی یا منطقه‌ای جهت نیل به اهداف ملی یا منطقه‌ای کارساز می‌باشد. به‌طور کلی، گفت‌وگوی سیاسی به مثابه حیاتی مجدد برای رفع کدورت‌ها یا رسیدن به یک تعامل مشترک با توجه به خواسته‌های طرفین در فضای دیپلماسی منطقه‌ای یا بین‌المللی است. به عبارت دیگر، گفت‌وگو به‌عنوان یک شکل از تعامل گفت‌وگویی در سیاست و روند تلقی می‌شود که در گفت‌وگوی خاص

مستقیم، جنبه‌های خاصی از نظریه گفت‌وگو میان تمدن‌ها به‌عنوان یک کل روشن، تجزیه و تحلیل لحظات کلی و نهایی از همکاری ایران با کشورهای دیگر را ذکر نموده‌اند. برای نویسندگانی که دیدگاه مثبت در گفت‌وگوهای سیاسی در زمینه جهانی شدن دارند، می‌توان گفت که (Beyer, 2000) آن‌ها گفت‌وگوی سیاسی را پدیده‌ای غیرقابل بازگشت می‌دانند که منجر به توسعه علم و فناوری می‌شود و خودبه‌خود تنظیم می‌گردد. افرادی بر این باورند که کشورهای جهان سوم می‌توانند منافع قابل توجهی را از طریق گفت‌ووشنود سیاسی، در انطباق با شرایط جدید توسعه جهانی، به‌دست آورند.

بر این اساس، در اثر گفت‌ووشنود سیاسی در نظام سیاسی مدرن ایران، می‌توان آن را به کار بست (Шахрамния, 2007). این مسائل، مانند مفهوم و ماهیت گفت‌وگوهای سیاسی، به‌ویژه جهانی‌شدن، دموکراسی و نهادهای دموکراتیک را، می‌توان در چارچوب جهانی‌شدن تحت پوشش قرار داده و توسعه اصول و نهادهای دموکراتیک در ایران را موجب شد. در ستایش از سهم این فلاسفه و دانشمندان، در این مطالعه از گفت‌وگو و پدیده‌های مرتبط با آن، باید توجه داشت که گفت‌وگوهای سیاسی در مطالعه حاضر، در زمینه امور اجتماعی، فرهنگی و منطقه‌ای ایران و جمهوری تاجیکستان در نظر گرفته شده است. بر اساس این، مجموعه‌ای خاص از علاقه‌مندان و پژوهشگران مانند جنکوسکی، مولچانو، پرسکورین، گوباگلو، هاشموو، جنسووا، عبداللطیف‌اف نیز دیده می‌شوند (Абдулатипов, 1993).

فرایند موجود، در عمل، هم‌اکنون با تجزیه و تحلیل محقق درباره «گفت‌وگوی سیاسی» انجام می‌شود و محقق پس از تحلیل ارتباط، پیوند آن‌ها را با تلفیق مفاهیمی همچون «اتصال»، «نگرش» و «تعامل» بررسی و موشکافی خواهد کرد. با این حال، می‌بینیم که رویکرد مناسبی در فرایند سیاسی موجود در دست نیست.

سیاسی، به عنوان ابزاری برای حل تعارض مورد توجه و استفاده قرار می گیرد (Махмадов, 2011; Моисеев, 2010).

شرایط لازم برای یک گفت‌وگوی سازنده: گفت‌وگو، مانند هر فعالیت دیگر انسانی، ناظر بر نتیجه و هدف مشخصی است. انسان، همانند هر اقدام دیگری که انجام می‌دهد، به دنبال هدف و نتیجه آن است. گفت‌وگو نیز از این قاعده مستثنی نیست، زیرا در غیر این صورت، بی‌هدف و بی‌نتیجه تلقی خواهد شد. از این رو، اگر گفت‌وگو را همچون یک فرایند تحقیقاتی در نظر بگیریم، در آن صورت، پیش‌شرط‌ها و پارامترهای معینی باید وجود داشته باشند تا گفت‌وگو، به‌ویژه در شرایط مذاکره، موفق و نتیجه‌بخش باشد. این فرایند، ابزارهایی را نیز برای نیل به هدف نهایی می‌طلبد.

در بخش ابزار بیرونی: مواردی از قبیل تغییر موازنه نظامی، ابزاری برای ایجاد تغییر در گفت‌وگوی سیاسی و تغییر گفتمان سیاسی به‌مثابه تأثیر و نفوذ در روند گفت‌وگو و تقویت عضویت در روابط بین‌دولی (مانند عضویت در سازمان‌هایی همچون شانگهای، کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد و...) و فرهنگ‌سازی در متغیرهای اساسی، که متغیرهای اساسی یک فرهنگ می‌تواند عناصر و ظرفیت‌های درونی آن باشد، زمینه‌ساز روابط بین‌دولی است. عناصر و مؤلفه‌هایی همچون توان قضاوت، تطبیق، تلفیق، خلاقیت و نوآوری از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها هستند. بر مبنای این مؤلفه‌ها، روابط اجتماعی و گروه‌های مدنی سامان‌دهی شده و ارتباطات بین‌المللی فرهنگی شکل می‌گیرد (تری مک‌کینلی، ص ۵۰۱). به همین خاطر، چنانچه این فرهنگ‌سازی انجام پذیرد، گفت‌وگوکننده از پشتوانه و عقبه‌ای قوی برای مذاکره برخوردار خواهد بود.

سیاست گفت‌وگو به عنوان یک شکل از فرهنگ گفت‌وگوی

ایران و بررسی منافع درازمدت دو کشور

در سال ۹۰ میلادی، جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود تغییراتی ایجاد نمود و راهبرد سیاست خارجی، انعطاف

بیشتری از خود نشان داد. ایران برای بازگشت به نقش سابق خود به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، اقدام کرد. در ایران، توجه بیشتری به روابط با همسایگان تعریف و عملیاتی شد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران به توسعه روابط خود با کشورهای آسیای مرکزی پرداخت؛ امری که پیش‌تر به دلیل محدودیت‌ها و وجود ارتباطات و رهبری متمرکز در کشورهای اتحاد جماهیر شوروی و تضعیف وزارت امور خارجه آن کشورها، امکان‌پذیر نبود.

از سوی دیگر، کشورهای رها شده از شوروی، و به‌ویژه کشور تاجیکستان، در خلأ ناشی از فروپاشی شوروی، به سرعت در پی پر کردن این خلأ توسط کشورهایی نظیر ایران برآمدند؛ همچنین قدرت‌های دیگری نیز که در منطقه حضور داشتند، خصوصاً آن‌هایی که در مجاورت مرزهای این کشورها قرار داشتند، در همه جنبه‌ها، برای بهره‌برداری سازمان‌دهی شده بودند. در این منطقه، همزیستی برای قرن‌ها، با ترویج و انتشار ادیان مختلف وجود داشته است.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تنش‌های اجتماعی در منطقه ایجاد گردید؛ شرایطی همچون افزایش خطر جنگ در زمینه‌های قومی، ملی یا مذهبی، از جمله این موارد است. ایران، به دلیل وسعت مرزهای فیزیکی خود با این کشورها، در سطحی از آسیب‌پذیری در مواجهه با درگیری‌های قومی این کشورها قرار دارد، و تاجیکستان نیز از این امر مستثنی نیست. با توجه به ثبات نسبی داخل ایران، این وضعیت نگرانی عمیقی برای ایران ایجاد نکرد، اما ارتباط با کشورهای منطقه، به دلیل نزدیکی فرهنگی-تاریخی، مورد توجه سیاست‌گذاران ایرانی قرار گرفت و به یکی از جهت‌گیری‌های اصلی سیاست خارجی ایران تبدیل شد.

با این حال، برخلاف انتظار، با اعمال تحریم‌های غرب علیه روسیه، ایران فرصت‌های بسیاری به دست آورد. این وضعیت در اطراف دریای خزر نیز به وضوح مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که اکثر

امنیتی عمدتاً با مسائل حاد نظامی و سیاسی همراه بود. اما در دهه‌های اخیر، منابع امنیتی و معیارهای جدیدی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که شامل جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی هستند. بنابراین، عواملی مانند فناوری، ایدئولوژی، ناسیونالیسم و جهان‌گرایی جدید، افزایش وابستگی متقابل ملت‌ها در روند جهانی‌شدن، هم‌گرایی ایده‌ها در روابط بین‌المللی، بحران‌های زیست‌محیطی، و روابط سیاسی و اقتصادی شمال و جنوب، به‌عنوان عوامل ایجاد ثبات یا اختلال در امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای در نظر گرفته می‌شوند.

در این کشورها، قدرت سیاسی، در کنار جذب افراد دارای سوءمدیریت از سوی دولت، نتوانسته است انتظارات مردم را برآورده کند و موجب ایجاد تنش‌های اجتماعی و بروز تهدیدات داخلی در فدراسیون روسیه شده است. در مقابل، کسب قدرت توسط رژیم‌های سیاسی توانمند، در سطحی مناسب، خود می‌تواند عاملی در تثبیت امنیت عمومی تلقی شود. این توانایی و قدرت در جامعه امروز به‌صورت مجموعه‌ای از راهکارهای سیاسی، فرهنگی، فنی، علمی، آموزشی و ابزارهای نظامی ارائه می‌شود.

از سوی دیگر، آسیای مرکزی به دلایل امنیتی راهبردی، به روسیه بدبین و بی‌اعتماد است. تاجیکستان، هرچند در فاصله سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷، با وجود جنگ داخلی، از منظر سیاسی جان سالم به در برده است، اما آثار منفی آن هنوز در این کشور ملموس است. در آن زمان، روسیه با وقوع جنگ داخلی در تاجیکستان، به‌همراه ازبکستان، حمایت و همکاری کرد. این حمایت تا زمانی که امام‌علی رحمان به قدرت رسید، ادامه یافت. همچنان نیز روسیه نفوذ خود را در تاجیکستان و کشورهای همسایه حفظ کرده و پس از امضای توافق‌نامه صلح در ژوئن ۱۹۹۷، آن را تقویت نمود.

روسیه در دوران جنگ داخلی در تاجیکستان، حضوری مستقیم و فعال داشت؛ به‌گونه‌ای که نیروهای حافظ صلح آن کشور به‌عنوان «لشکر دویت‌ویکم پیاده‌نظام» شناخته می‌شدند. در اینجا، سیاست

کشورهای شمالی ایران نیازمند گاز، برق، و به‌ویژه امکانات ضروری برای رفع نیازهای شهری و جمعیتی خود، علاوه بر ارتباطات صنعتی هستند. همچنین، با حضور ایران، شرایطی برای حفظ ثبات منطقه فراهم می‌شود. ایران می‌تواند از توسعه جنبش‌های ملی و یا گسترش سلفی‌گری و تکفیری، که زمینه‌های بنیادی آن نیز با رویدادهای اخیر در نزدیکی این مناطق تقویت شده، جلوگیری کند. ایجاد ارتباط و گفت‌وگویی قوی با کشورهای آسیای مرکزی، به تقویت روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منجر خواهد شد.

با این وجود، در مقاطعی، به‌اشتباه، در برخی از این کشورها این دغدغه وجود داشت که ارتباط ایران با کشورهای آسیای مرکزی، یا ارتباط تاجیکستان با تهران، موجب تشویق و گسترش تفکرات تند اسلامی در آسیای مرکزی خواهد شد. اما اکنون، با وقوع جنگ در سوریه و عراق توسط نیروهای تکفیری داعش، نگاه روشنی برای کشورهای منطقه به‌وجود آمده است؛ اینکه رهبری ایران به‌اندازه کافی منطقی و عقلانی عمل کرده و می‌کند؛ به‌گونه‌ای که نه در سیاست و نه در ایدئولوژی، بلکه در تمرکز بر روابط خود، میانه‌روی را با حفظ احترام متقابل و تمامیت ارضی طرفین در نظر می‌گیرد.

پس از استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، و هم‌اکنون نیز، مقامات ارشد جمهوری اسلامی ایران با اعتماد به نفس اعلام می‌کنند که این سیاست بدون گسترش نفوذ قدرت‌های غیرمنطقه‌ای در آسیای مرکزی، و بر پایه ثبات و عدم مداخله ایران در امور داخلی کشورها، قابل تحقق است. بر این اساس، در جهت منافع سیاسی و امنیت ملی ایران، حمایت از صلح و ثبات در منطقه تضمین شده است.

تاجیکستان برای دو کشور ایران و روسیه از اهمیت زیادی برخوردار است؛ از منظر حصول اطمینان از صلح و امنیت منطقه‌ای. در جمهوری‌های شوروی سابق، در طول جنگ سرد، مشکلات

به عنوان ایفای نقش میانجی مثبت توسط ایران محسوب می شود. این دیپلماسی فعال از طرف ایران، با تلاش ها و گفت وگوهای سیاسی، به عنوان نتیجه ای از فعالیت ایران در حفظ صلح و ثبات منطقه، قابل مشاهده است.

از سوی دیگر، ایران دارای مرز مشترک با کشورهای ساحلی دریای خزر مانند ارمنستان، آذربایجان و ترکمنستان است. با وجود شبه نظامیان و مشکلات منطقه ای مانند درگیری های قره باغ، گرجستان، چین و تاجیکستان، که در نزدیکی جغرافیای سیاسی ایران قرار دارند، این تحولات همواره مورد توجه و نگرانی ایران بوده است.

کشورهای آسیای مرکزی، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، به دلیل نزدیکی جغرافیایی با ایران، در صورت ادامه درگیری ها می توانند تهدیدی برای امنیت ایران محسوب شوند. درگیری های نظامی و غیرنظامی که در حال حاضر در دیگر جمهوری ها وجود دارد، از عوامل مهم نگرانی ایران است.

در آن شرایط، امنیت ایران، جنگ موجود در افغانستان و خلیج فارس در سال ۱۹۹۳ و ناآرامی های حوزه قره باغ که در همان سال آغاز شد و تقریباً تا مرزهای ایران پیش رفت، از عوامل تشدیدکننده نگرانی های تهران بودند. با این حال، ایران در دهه گذشته موفق شد روابط خود را هم با مسکو و هم با کشورهای آسیای مرکزی گسترش و تعمیق بخشد. از این رو، رویکرد اجتماعی، فرهنگی و گفت وگوی سیاسی قوی با رهبران این کشورها، همواره بخشی از راهبرد منطقه ای ایران بوده است.

اتفاق نظر مشترک و مهم ایران و روسیه در مسئله امنیت و ثبات منطقه، نکته ای راهبردی است (که امروز نیز صادق است). در آن زمان، همانند امروز، ایران و روسیه تمایل داشتند از حضور بیشتر اروپا و آمریکا در آسیای مرکزی، به ویژه تاجیکستان، جلوگیری کنند. ایران و روسیه بر این باور بودند که هر نوع بی ثباتی در منطقه، تهدیدی برای امنیت ملی آنهاست و می خواهند با هر وسیله ای،

مورد تأکید آنان، مبارزه با تروریسم بین المللی و جلوگیری از توسعه مذهبی رادیکال بود؛ اقدامی که علاوه بر فعالیت های نظامی، مستلزم همکاری های امنیتی و اطلاعاتی نیز بود (Дружиловский, 2002).

سیاست ایران در امر گفت وگو در تاجیکستان و تأمین منافع دو کشور در منطقه با استفاده از نفوذ روسیه

ایران برای رسیدن به اهداف خود، اقدامات و اولویت های زیر را در نظر گرفته است:

در مرحله اول - ارتقاء و گسترش همکاری های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی چندجانبه منطقه ای؛

در مرحله دوم - گسترش ارتباطات بین المللی، از طریق احداث و ساخت راه آهن جدید، با اتصال شبکه راه آهن آسیای مرکزی به خلیج فارس، و همچنین مشارکت فعال، قابل مشاهده و صلح آمیز، به دور از تفاوت های قومی، ارضی، مذهبی، داخلی و درگیری، که توسط بسیاری از رهبران کشورهای آسیای مرکزی مورد استقبال قرار گرفت (Махмадов, 2011).

تلاش های مشترک ایران و روسیه، از طریق سیاست گفت وگو، برای حفظ ثبات سیاسی و امنیت در تاجیکستان و آسیای مرکزی و قفقاز، با هدف گسترش اعتماد متقابل، توسط ایران مدیریت شد. در این زمان، روسیه بر این باور بود که ایران، به عنوان یکی از قدرت های بزرگ منطقه ای، می تواند ضامن ثبات در منطقه باشد. اینکه ایران در مناقشه بین آذربایجان و ارمنستان به عنوان یک میانجی عمل کرده و حتی موفق به برگزاری مجموعه ای از گفت وگوهای سیاسی شده و تا حدی بحران را در منطقه کاهش داده است، دلایلی است که این نقش را تأیید می کند.

در جنگ داخلی تاجیکستان بین نیروهای اسلامی و ملی، ایران شرایط مثبتی را ایجاد کرد. تلاش برای نزدیک کردن مواضع احزاب و گروه های فعال به منظور دستیابی به توافق صلح میان مخالفان متحد تاجیک و دولت مشروع تاجیکستان، در آن زمان

به‌ویژه از طریق میانجی‌گری و گفت‌وگوهای سیاسی، به برقراری ثبات در منطقه کمک کنند.

ایران با اعتماد به نفس و استقلال در تصمیم‌گیری، بر این باور بود که در شرایط جدید و با وجود یک روسیه قدرتمند، می‌تواند بهتر از گذشته از منافع خود در منطقه محافظت کند. ایران و روسیه در سال‌های گذشته نیز روابط نزدیکی برای ایجاد و برقراری ثبات و امنیت در تاجیکستان داشته‌اند. گفت‌وگوهای متعدد سیاسی و مذاکراتی که بین دولت فعلی تاجیکستان و مخالفان متحد تاجیک، با مشارکت مستقیم ایران و روسیه برگزار شد، نشان‌دهنده نقاط مشترک آن‌ها در حل و فصل بحران تاجیکستان است.

روسیه درک کاملی داشت که ایران تجربه ارزشمندی در برقراری گفت‌وگو با گروه‌های میانجی دارد و در عین حال، توان استفاده از نفوذ مثبت خود برای دستیابی به صلح و ثبات در تاجیکستان را داراست. بنابراین، با اراده متقابل، دو کشور توانستند به‌خوبی برای تحقق اهداف استراتژیک و حفظ منافع ایران و روسیه، از طریق گفت‌وگوی سیاسی برای صلح و ثبات در تاجیکستان، اقدام کنند.

وجود منافع دو کشور ایران و تاجیکستان

تاجیکستان در کشور ایران از امتیازات فراوانی بهره‌مند است که با تقویت جایگاه ایران در سازمان همکاری شانگهای (SCO)، این امتیازات بیشتر نیز خواهد شد:

تاجیکستان نزدیک‌ترین شریک اقتصادی و سیاسی ایران در آسیای مرکزی است.

تاجیکستان دروازه ورود محصولات و فناوری ایرانی به بازارهای آسیای مرکزی است و می‌تواند ایران را به چین، قزاقستان و شرق روسیه متصل کند.

تاجیکستان مهم‌ترین تولیدکننده آلومینیوم و یکی از تولیدکنندگان مهم نخ پنبه در منطقه آسیای مرکزی است و در مقابل، ایران واردکننده هر دوی این محصولات است. همچنین صادرات میوه

تاجیکستان به ایران می‌تواند یکی از زمینه‌های مناسب و قابل‌گسترش همکاری باشد.

تاجیکستان طبق محاسبات آماری، در صورت استفاده بهینه از منابع انرژی خود، می‌تواند تا ۹۰ میلیارد کیلووات ساعت برق در سال تولید کند؛ در حالی که این میزان تنها نیمی از نیاز داخلی آن است. در مقابل، نیاز به نیروی برق در ایران به‌نحو فزاینده‌ای در حال افزایش است و تاجیکستان می‌تواند در آینده صادرکننده نیروی برق به ایران باشد.

بودجه ایران به تبع افزایش بهای نفت در بازارهای جهانی، رقم قابل‌ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهد که بهترین راه استفاده از این سرمایه، به جریان انداختن آن در پروژه‌های پرسود داخلی و خارجی برای بازتولید آن است؛ چراکه نگاه‌داشتن این منابع در داخل کشور، تورم‌زا خواهد بود. بنابراین، کشورهای نفت‌خیز در چنین شرایطی تلاش می‌کنند پول‌های مازاد بودجه خود را در کشورهای امن سرمایه‌گذاری کنند. به‌عنوان مثال، نیروگاه برق‌آبی سنگ‌توده ۲، طبق توافق طرفین، درآمد آن به‌مدت ۱۲٫۵ سال متعلق به ایران بوده و سپس به تاجیکستان واگذار خواهد شد.

تاجیکستان و ایران با تهدیدهای مشترکی روبه‌رو هستند. مهم‌ترین آن‌ها قاچاق مواد مخدر، تروریسم و افراط‌گرایی است. با وجود تهدید مشترک، موفقیت هر دو کشور در مبارزه با آن، شرایط موفقیت‌آمیزی را فراهم خواهد کرد (Махмадов, 2011).

به علت همین اشتراکات و امتیازات بود که پس از استقلال تاجیکستان در سپتامبر سال ۱۹۹۱، ایران به‌عنوان نخستین کشور، سفارت خود را در تاجیکستان افتتاح کرد و در جنگ‌های داخلی ۱۹۹۲-۱۹۹۳، یکی از مؤثرترین نقش‌ها را در گفت‌وگوهای سیاسی و مذاکرات صلح ایفا نمود. تلاش‌های گسترده‌ای برای تحقق صلح انجام گرفت و برقراری آتش‌بس میان طرفین درگیر، پس از کنفرانس تهران در سال ۱۳۷۳ (۱۹۹۴)، گامی در همین راستا بود. همچنین، سفارت تاجیکستان در ایران، در سفر امام‌علی

همکاری در حوزه‌های انرژی، حمل‌ونقل، گردشگری و حفاظت از محیط زیست؛

حفظ صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای؛

ایجاد نظم سیاسی و اقتصادی بین‌المللی عادلانه و دموکراتیک.

با همکاری بانک توسعه آسیا و کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل برای آسیا و اقیانوسیه، کشورهای عضو SCO توافق‌نامه‌ای بین‌دولتی برای تسهیل حمل‌ونقل بین‌المللی امضا کردند و گام‌هایی در جهت توسعه زیرساخت‌ها برداشتند. اهداف اصلی همکاری‌های اقتصادی در چارچوب سازمان همکاری شانگهای در سپتامبر ۲۰۰۳ با امضای برنامه‌ای جامع برای تجارت چندجانبه و همکاری‌های اقتصادی تعریف شد.

همچنین، در بیش از دو دهه، مراحل متوالی برای تحقق همکاری در تجارت آزاد کالا، سرمایه، خدمات و فناوری در دستور کار این سازمان قرار گرفته و تا حد زیادی محقق شده است. دبیرخانه رسمی سازمان نیز در ۱۵ ژانویه ۲۰۰۴ تأسیس گردید (aric.adb.org).

ایران و تاجیکستان و تأمین منافع خویش از سازمان همکاری شانگهای (SCO)

کشور تاجیکستان از اعضای اصلی سازمان همکاری شانگهای (SCO) به‌شمار می‌آید و خواهان روابط گسترده و حضور فعال ایران در این سازمان است، اما این ایران است که همواره علاقه‌مند به تقویت ارتباطات از طریق این سازمان بوده و هست. ایران در این رهیافت، به نظر می‌رسد که در حالت ایده‌آل، مایل است از ظرفیت‌های SCO برای یافتن راهی جهت:

جلوگیری از تهدیدات امنیتی خارجی،

اجتناب از سازش با خواسته‌های اجباری کشورهای غربی،

ممانعت از اقدام بین‌المللی علیه خود،

کاهش یا رفع تحریم‌ها،

و کاستن از فشارهای ایالات متحده آمریکا

رحمان، رئیس‌جمهور تاجیکستان، به جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۷۴/۴/۲۷، رسماً در تهران افتتاح شد (Montazemi, 1995).

با اینکه عوامل مشترک میان ایران و تاجیکستان، نقطه آغاز همکاری‌های دوجانبه مؤثری را فراهم ساخت، اما تداوم این همکاری‌ها نیازمند عوامل مکمل دیگری نیز هست. در این زمینه، باید توجه داشت که با وجود اشتراکات فراوان، تفاوت‌های قابل‌توجهی نیز میان دو کشور وجود دارد، از جمله تفاوت در ارزش‌های سیاسی (Mojtahedzadeh, 1997). با این وجود، همان‌طور که در تجارب دیگر کشورها در همکاری‌های چندجانبه دیده می‌شود، عامل اقتصادی می‌تواند بر چنین تفاوت‌هایی غلبه کرده و موجبات تقویت مناسبات دوجانبه را فراهم آورد (Montazemi, 1993). افزون بر این، با احیای پیوندهای دیرینه ایرانیان و مردم تاجیکستان، که از دل ارزش‌های فرهنگی مشترک برمی‌خیزد، می‌توان در قالب یک گفت‌وگو واقع‌گرایانه به نزدیکی هر چه بیشتر دو ملت دست یافت (Malekian, 2008).

به همین منظور، و در جهت تأمین منافع دوجانبه، ایران در فرآیند بازسازی تاجیکستان حضوری پررنگ در عرصه اقتصادی این کشور داشته و دارد؛ که نمود روشن آن ساخت تونل انزاب (استقلال) و نیروگاه برق‌آبی سنگ‌توده ۲ است (tajweek.tj).

سازمان همکاری شانگهای (Shanghai Cooperation Organization - SCO)

سازمان همکاری شانگهای (SCO) یک سازمان بین‌دولتی است که در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱، توسط شش کشور: جمهوری خلق چین، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان و ازبکستان، در شهر شانگهای تأسیس شد.

اهداف اصلی این سازمان شامل موارد زیر است:

تقویت روابط میان کشورهای عضو؛

توسعه همکاری در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری،

علمی‌فنی، فرهنگی و آموزشی؛

تثبیت نقش و نفوذ فرهنگی ایران در مناطق شمالی، به‌ویژه از طریق زبان فارسی که یک مزیت نرم‌افزاری در دیپلماسی فرهنگی ایران است؛

ایجاد بستر تقویت موقعیت سیاسی و بین‌المللی ایران با استفاده از این سازمان (م. مرادی، ۱۳۸۶)؛

ایفای نقش ایران به‌عنوان پل ارتباطی میان آسیای مرکزی و اروپا از طریق ترانزیت کالا و انرژی (Бахтиёр, 2006).

در طول ۳۷ سال گذشته، سازمان همکاری‌های شانگهای نخستین مجموعه‌ای است که امکان عضویت ایران در یک اتحادیه منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم آورده است. با این حال، پیوستن به این سازمان، در کنار فرصت‌ها، تهدیداتی نیز برای ایران به‌همراه دارد. ایران در پی آن است که عضویت دائم در SCO را به‌عنوان راهبردی برای تعامل و همکاری استراتژیک با هدف مقابله با فشارهای غرب، به‌ویژه آمریکا، در زمینه مسائل هسته‌ای، حقوق بشر و تأمین منافع منطقه‌ای دنبال کند.

برای چین و روسیه، ایران ابزاری تاکتیکی است و موقعیت ایران در نظام بین‌الملل به‌عنوان یک معامله‌گر احتمالی با غرب مورد توجه آن‌هاست. طبیعی است که دو کشور روسیه و چین، منافع خود با غرب را به منافع ایران ترجیح می‌دهند. در این راستا، موارد زیر اهمیت دارد:

توسعه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی بین ایران و تاجیکستان، با همکاری چین، روسیه و سایر کشورهای آسیای مرکزی، در قالب همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و دفاعی دوجانبه و چندجانبه، می‌تواند منافع ملی ایران و تاجیکستان را در سطحی متوازن تأمین کند؛

روسیه و چین تمایل دارند راه را برای حضور ایران در آسیای مرکزی باز کنند، به‌گونه‌ای که در ازای ورود ایران، برخی توانایی‌ها و منابع آن را به‌نفع خود مورد استفاده قرار دهند؛

بهره‌برداری لازم را به‌عمل آورد. این اهداف زمانی محقق خواهند شد که سازمان همکاری‌های شانگهای برخی تضمین‌های راهبردی به ایران ارائه دهد.

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و فرصت‌های مثبت اقتصادی در داخل کشور، احتمال تبدیل‌شدن ایران به عضوی دائم در سازمان را افزایش می‌دهد. با این حال، تضاد ساختاری ایران و آمریکا این احتمال را کاهش می‌دهد، چرا که هیچ‌یک از اعضای سازمان تمایل ندارند به‌خاطر سیاست‌های ضدغربی ایران، روابط خود با کشورهای غربی را تضعیف کنند. (سیاست گفت‌وگوی هسته‌ای ۵+۱ ایران در سال ۲۰۱۴ و حصول توافق برجام در سال ۲۰۱۶ ممکن است این احتمال را تقویت کند).

در نتیجه، باید گفت که SCO سازمانی صلح‌آمیز و غیرنظامی است. با این حال، همین مسئله باعث نگرانی واشنگتن شده است، زیرا معتقدند سازمان همکاری‌های شانگهای به‌طور فزاینده‌ای ماهیت ضدآمریکایی به خود گرفته است (Бахтиёр, 2006). از آنجا که ایران عضو هیچ سازمان دفاعی منطقه‌ای نیست، آسیب‌پذیری آن در برابر تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی بالا به‌نظر می‌رسد. عضویت ایران در SCO می‌تواند به کاهش تهدیدات، مشارکت در همکاری‌های منطقه‌ای، و همچنین تأمین منافع ملی و تقویت قدرت منطقه‌ای کشور کمک شایانی کند. از این‌رو، ایران خواهان عضویت دائم در این سازمان است.

با عضویت دائم ایران چه شرایطی ایجاد خواهد شد؟

بهره‌برداری ایران از ظرفیت‌های اقتصادی، تجاری و حمل‌ونقل سازمان؛

تقویت گفت‌وگو با غرب در عرصه بین‌المللی از طریق سازوکارهای سازمان؛

افزایش شرکای منطقه‌ای ایران در حوزه‌های اقتصادی، تجاری، حمل‌ونقل و بازار جهانی؛

قصد دارد کشورهای منطقه را تحت نفوذ خود نگاه دارد. در این راستا، روسیه از ابزارهایی مانند سازمان‌های بین‌المللی - از جمله سازمان همکاری شانگهای - برای تحقق این هدف استفاده می‌کند (teknoblog.ru).

درحالی‌که چین بیشتر بر همکاری‌های اقتصادی تمرکز دارد، روسیه تمایل دارد سازمان را به نهادی با وزن سیاسی و نظامی تبدیل کند و آن را در برابر ایالات متحده آمریکا و ناتو قرار دهد. در مقابل، کشورهای آسیای مرکزی و از جمله تاجیکستان، به دنبال تقویت استقلال، ثبات و توسعه اقتصادی خود هستند. این کشورها عمدتاً علاقه‌مند به همکاری‌های اقتصادی هستند تا درگیر رقابت‌های سیاسی یا نظامی شوند. بنابراین، این کشورها ترجیح می‌دهند طرفدار گفت‌وگوهای سیاسی میانه‌رو، روابط متعادل و همکاری اقتصادی متقابل با همه کشورهای جهان باشند (www.irandiplomacy.ir).

در این میان، باید به واقعیتی توجه کرد: برخلاف علاقه تاجیکستان به عضویت ایران در سازمان، قزاقستان و قرقیزستان به شدت با پیوستن ایران مخالفت می‌ورزند. آن‌ها معتقدند این اقدام می‌تواند به تحریک آمریکا منجر شود و ثبات سازمان را به خطر بیندازد. این کشورها ورود ایران به SCO را منوط به حل اختلافات ایران با غرب می‌دانند. با این حال، به نظر می‌رسد که استراتژی فعال و مثبت ایران در آینده نزدیک می‌تواند جایگاه واقعی‌اش را در سلسله‌مراتب ساختار جهانی بیابد (Мандана, 2005).

طبیعی است که ایران، برای ارتقای سطح امنیت ملی خود، در کنار عضویت در سازمان همکاری شانگهای، به بهره‌گیری از سازوکارها و بازیگران دیگر نیز بیندیشد (carnegie.ru). ریاست جنبش عدم تعهد در سال‌های گذشته و گفت‌وگوهای سیاسی ۵+۱ نمونه‌هایی از این اقدامات هستند. ایران با استفاده از گفت‌وگوهای سیاسی، به‌ویژه با تاجیکستان و دیگر کشورهای آسیای مرکزی، در

استراتژی بزرگ روسیه و چین در نظام جهانی، بر مقاومت ایران در برابر آمریکا مبتنی است، به‌ویژه در زمینه هسته‌ای که در دستور کار شورای امنیت قرار دارد. از این رو، هرگونه پیشرفت در الحاق ایران به SCO را مشروط به حل این منازعه می‌دانند.

با این حال، ایران نباید به عضویت در SCO به‌عنوان یک رویکرد راهبردی مطلق بنگرد، چرا که این سازمان با محدودیت‌هایی مواجه است، از جمله:

الف. بی‌ثباتی در آسیای مرکزی که باعث بی‌اعتمادی در سازمان شده است.

ب. مشکل هماهنگ‌سازی میان مکانیسم‌های مختلف همکاری در آسیای مرکزی، از جمله برنامه مشارکت برای صلح ناتو، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، سازمان گوام، و جامعه اقتصادی اوراسیا.

ج. وجود تفاوت‌های زیاد و عدم تقارن میان اعضای سازمان که روند همگرایی را دشوار می‌سازد.

عملاً در هر رویداد بین‌المللی، ما شاهد نفوذ و آهنگ حضور آمریکا هستیم و حال آن‌که در آسیای مرکزی نیز رویدادهای بین‌المللی جریان دارد، بنابراین آمریکا ممکن است از این فرصت‌ها به نفع خود بهره‌برداری کرده و با آغوش باز آن‌ها را بپذیرد. اشتباه خواهد بود اگر فرض کنیم که سازمان همکاری شانگهای سازمانی برآمده از فضای جنگ سرد است. این سازمان، نهادی منطقه‌ای است و نمی‌توان تصور کرد که در سال‌های آینده در همین راستا گسترش یابد. یکی از دلایل آن، موقعیت جغرافیایی خاص سازمان و وجود فرصت‌های نابرابر میان اعضای آن است (Губагло & Хашимов, 1993).

روابط و رویکرد روسیه، چین و کشورهای آسیای مرکزی یکسان نیست. چین بدون هیچ‌گونه فشار یا تهدیدی، آرام و بی‌سر و صدا در پی گسترش نفوذ خود در بازارهای آسیای مرکزی است؛ اما اقدامات روسیه از مسیر متفاوتی پیگیری می‌شود. مسکو صراحتاً اعلام کرده که آسیای مرکزی حوزه نفوذ ژئوپولیتیک آن است و

نظام سیاسی، اجتماعی و سطح توسعه اقتصادی نیز تفاوت‌های چشم‌گیری دارند.

بنابراین، با در نظر گرفتن همه تحلیل‌های پیشین، درک فرهنگ ارتباطات سیاسی در این منطقه - که مبتنی بر تاریخ، سیاست، و عملکردهای عینی است - امری کلیدی به‌نظر می‌رسد. اخلاق و تأکید بر کرامت انسان، به‌عنوان یکی از ارزشمندترین دستاوردهای فرهنگ انسانی، خود را در قالب گفت‌وگو و ارتباط میان کشورها متجلی می‌سازد. ارتباط مؤثر، انتخابی آگاهانه از سوی هر ملت و حاکمیتی است که می‌تواند به جذب یا دفع دیگران بینجامد و در سیاست منطقه‌ای، گذشته، حال و آینده را تحت تأثیر قرار دهد.

در همین راستا، و در مسیر تأمین منافع ملی، این ایران بوده که در منطقه آسیای مرکزی، به‌ویژه با تاجیکستان، گام‌هایی مهم در جهت بهبود روابط برداشته است. نقطه اوج این روند، سفر امام‌علی رحمان به تهران در ژوئیه ۱۹۹۵ و افتتاح رسمی سفارت تاجیکستان در تهران بود.

پیشرفت‌های خاص ایران در آسیای مرکزی، به‌ویژه در تاجیکستان، به‌واسطه در اولویت بودن منافع ملی دو کشور و توافق بر اهداف مشترک ایدئولوژیک و سیاسی، قابل‌مشاهده است. با این حال، گفت‌وگوهای سیاسی ایران در تاجیکستان در آن دوره، کاملاً عاری از هر نوع لایه ایدئولوژیک یا احساسات‌گرایی بود و با وجود فضای بدبینانه ناشی از جنگ داخلی، به‌خوبی پیش رفت.

گفت‌وگوهای میان ایران، دولت تاجیکستان، و گروه‌های سیاسی مخالف، با حمایت و درک متقابل، و رعایت بی‌طرفی و احترام به تمامیت ارضی تاجیکستان، به‌خوبی مدیریت شد. در سطح اقتصادی نیز، ایران در فرآیند توسعه و بازسازی تاجیکستان نقش فعالی ایفا کرده است. پروژه‌هایی مانند احداث نیروگاه برق‌آبی سنگ‌توده ۲، تونل‌های ارتباطی و سایر طرح‌های زیرساختی، نمونه‌هایی از حضور مؤثر ایران در توسعه این کشور هستند.

نتیجه‌گیری

سال‌های درگیری داخلی، نقش میانجی‌گر و عامل کاهش تنش را ایفا کرده است.

به‌نظر می‌رسد که آنچه طی چند دهه گذشته، از دوران طالبان در افغانستان تا تحولات سوریه و عراق در سال ۲۰۱۶ روی داده، نشان می‌دهد نقطه آغاز بسیاری از بی‌ثباتی‌ها، ظهور تفکر تکفیری و طالبانیسم در منطقه بوده است. با بازگشت طالبان در افغانستان و گسترش اسلام‌گرایی افراطی، قاچاق مواد مخدر، از دست رفتن ثبات، و ناامنی در آسیای مرکزی شدت یافته است. هرچند قدرت طالبان به‌ظاهر کاهش یافته، توسعه کشت و قاچاق مواد مخدر همچنان ادامه دارد و این وضعیت، تاجیکستان را که در همسایگی افغانستان قرار دارد، به‌صورت مستقیم تهدید می‌کند.

علاوه بر این، گسترش افراط‌گرایی و قاچاق مواد مخدر در آسیای مرکزی، با افزایش نفوذ دیدگاه‌های طالبانی، روندی رو به رشد دارد (Koksharov, 2003).

در چنین شرایطی، این پرسش مطرح است که: سازمان همکاری شانگهای چه مسیری را باید برگزیند و چگونه باید تکامل یابد؟ این مسئله‌ای مهم برای آینده سازمان است. به‌طور کلی، توسعه سازمان بستگی به خواست جمعی اعضا و ظرفیت‌های داخلی آن‌ها دارد. سازمان ممکن است از تجارب نهادهایی چون اتحادیه اروپا، آسه‌آن، و دیگر سازمان‌های همکاری منطقه‌ای بهره‌گیرد. با این حال، باید توجه داشت که SCO ویژگی‌های منحصر به فردی دارد و مسیر توسعه آن نیز باید مستقل و متناسب با ساختار خاص خود طراحی شود.

این ساختار خاص از آن جهت است که اعضای سازمان به‌شدت با یکدیگر متفاوت‌اند: از یک‌سو، چین پرجمعیت‌ترین کشور و روسیه وسیع‌ترین کشور از نظر جغرافیایی است؛ و از سوی دیگر، کشورهای کوچکی با جمعیت کم و فرهنگ‌ها و مذاهب متفاوت نیز در این سازمان حضور دارند. افزون بر این، این کشورها از نظر

لغو واقعی تحریم‌های غرب علیه ایران نیز می‌تواند زمینه‌ساز افزایش ارتباط و ارتقای نقش اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مناطق مختلف جهان، به‌ویژه در آسیای مرکزی و به‌طور خاص در تاجیکستان شود. این موضوع از جمله پتانسیل‌های راهبردی برای تقویت ارتباط و گفت‌وگوی سیاسی و اقتصادی ایران با منطقه است و می‌تواند تاجیکستان را بیش از پیش به این فرآیند جذب کرده و به سمت تحقق منافع مشترک سوق دهد.

به‌نظر می‌رسد استراتژی فعال و مثبت ایران در آینده نزدیک قادر خواهد بود جایگاه واقعی آن را در سلسله‌مراتب ساختار جهانی تثبیت نماید (Сайфзода، ۱۳۸۴، ص. ۲۱). به‌ویژه پس از پانزدهمین اجلاس سازمان همکاری شانگهای در ژوئن ۲۰۱۶، برای حفظ منافع بالقوه عضویت ایران، پیوستن رسمی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان عضو دائم شانگهای، نیازی راهبردی برای کشورهای منطقه - به‌ویژه تاجیکستان - تلقی می‌شود (iran.ru).

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The dissolution of the Soviet Union in the early 1990s created a paradigm shift not only in the geopolitical structure of Central Asia but also in the political dynamics that followed between newly independent states and their culturally and historically aligned neighbors. For Iran and Tajikistan, this transitional period offered both opportunities and vulnerabilities that could be mediated through strategic political dialogue. This study explores the evolving nature of political communication and regional integration between these two

گفت‌وگوی سیاسی می‌تواند به‌عنوان ابزاری غیرنظامی و تأثیرگذار برای هدایت اهداف ملی کشورها و نزدیکی آن‌ها به یکدیگر مورد استفاده قرار گیرد. ایران، با بهره‌گیری از تجربیات چند دهه گذشته در حوزه گفت‌وگوی سیاسی میان کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و تاجیکستان، و نیز با ارائه طرح «گفت‌وگوی تمدن‌ها» در سطح بین‌المللی، همچنین مشارکت فعال در مذاکرات سیاسی و هسته‌ای با اروپا (۲۰۱۴-۲۰۱۶)، در این زمینه پیشتاز بوده است.

با توجه به تحولات کنونی در خاورمیانه، از جمله جنگ‌های موجود در سوریه، عراق و فلسطین، ظهور و تقویت تفکر تکفیری و گروه‌های داعش‌گرا، و نیز تحولات اخیر جدایی‌طلبی در اوکراین از مجموعه کشورهای روس‌زبان، در چنین شرایطی، گفت‌وگوی سیاسی می‌تواند اختلافات منطقه‌ای را کاهش دهد و یا به تقویت روابط میان کشورها بینجامد.

وجود دو کشور فارسی‌زبان یعنی ایران (با شرایط مناسب و کانال ارتباطی تجاری به دریاهای آزاد) و تاجیکستان (که فرهنگی بسیار نزدیک به ایران دارد، در ارتباط با کشورهای روس‌زبان است و عضو دائم سازمان همکاری شانگهای می‌باشد)، در کنار تحولات مثبت ناشی از مذاکرات هسته‌ای ایران با آمریکا و پنج کشور اروپایی، می‌تواند نقش سازمان همکاری شانگهای را در تقویت روابط منطقه‌ای به یک کلید راهبردی برای ارتقاء ارتباطات ایران، فراتر از منافع دوجانبه با تاجیکستان، تبدیل کند.

Persian-speaking nations, emphasizing the strategic role of the Shanghai Cooperation Organization (SCO) in facilitating structured, multilateral discourse and mutual interest alignment. As Iran redefined its foreign policy posture to focus more on regional cooperation and influence, Tajikistan emerged as a key partner, especially in light of their shared cultural heritage and mutual geopolitical concerns. However, external pressures—from Western sanctions on Iran to Russia's assertive posture in Central Asia—necessitate a careful orchestration of dialogue

mechanisms. Through historical analysis, comparative political evaluation, and geopolitical theory, the study emphasizes the need for multidimensional dialogue involving not only bilateral exchanges but also regional platforms like the SCO to institutionalize communication, foster trust, and jointly counter emerging threats such as terrorism, extremism, and narcotics trafficking (Моисеев, 2010; Шахрамния, 2007).

The strategic imperative for Iran to engage with Tajikistan through dialogue is further reinforced by the shared cultural values deeply embedded in their respective social fabrics. While Tajikistan has been subjected to cultural and political pressure from Russian, Turkish, and Uzbek influences, Iran has consistently positioned itself as a natural partner in identity formation and cultural preservation for the Tajik people (Сажина, 2002; Хамза, 2002). Dialogue, in this context, transcends its conventional definition and becomes a form of resistance to cultural erosion and political marginalization. Thus, communication is not only a tool for conflict resolution but also a mechanism of strategic cultural assertion. Political dialogue serves as a platform for countries like Iran and Tajikistan to express shared historical narratives and common visions for regional stability. This dialogue can be cultivated through consistent diplomatic engagement, joint infrastructural projects, and regional cultural initiatives. Moreover, as dialogue becomes normalized, it enables both states to synchronize their foreign policy priorities, especially within multilateral settings such as the SCO, where mutual support enhances collective bargaining power and regional stability (Mousavi, 2003; Абдулатипов, 1993).

In analyzing the theoretical foundations of political dialogue, the study draws from multiple disciplines, including political philosophy, communication theory, and international relations. Political dialogue is

conceptualized as a multilayered process that integrates both normative and pragmatic elements (Сейеда Садега, 1991). On the normative side, dialogue is seen as an ethical commitment to peaceful coexistence and mutual recognition. On the pragmatic side, it serves as a strategic means for influencing regional power dynamics. In Iran's case, political dialogue has historically been a vehicle for both resisting Western-imposed isolation and reinforcing regional alliances. Tajikistan, having suffered from internal strife during the 1990s, increasingly viewed dialogue as essential to nation-building and political stabilization. This dual function—ethical and strategic—makes dialogue a unique and potent instrument in foreign policy. Additionally, regional cooperation within the SCO offers a framework in which dialogue is not ad hoc or episodic but institutionalized, thereby facilitating continuity and sustainability in diplomatic engagements (Beyer, 2000; Махмадов, 2011).

The Shanghai Cooperation Organization, formed in 2001, provides a crucial platform for member states to address issues related to security, economic cooperation, and cultural exchange. As a regional intergovernmental body, it seeks to mitigate unilateral power dynamics and foster collective decision-making. Iran's interest in gaining permanent membership in the SCO is rooted in its need to offset the asymmetrical influence of Western powers and to secure strategic depth in its eastern and northern frontiers. Tajikistan, a founding member of the SCO, recognizes Iran's potential contributions in terms of energy cooperation, infrastructure development, and counterterrorism capabilities. However, internal dynamics within the SCO complicate Iran's path to full membership. While Russia and China view Iran as a strategic ally in their broader geopolitical maneuverings, other member states such as Kazakhstan and Kyrgyzstan

express reservations due to fears of Western backlash (Бахтиёр, 2006; Губагло & Хашимов, 1993). Despite these tensions, Iran's consistent participation in SCO activities signals its long-term commitment to the organization's principles and objectives, particularly in using dialogue as a counterbalance to militarization and unilateralism.

One of the most compelling arguments for the institutionalization of Iran-Tajikistan dialogue through the SCO framework is the array of shared challenges both nations face. Chief among these are narcotics trafficking, religious extremism, and regional instability stemming from the Taliban resurgence in Afghanistan (Кокшаров, 2003). These issues necessitate coordinated responses that transcend bilateral mechanisms and require multilateral cooperation. By positioning itself as a stable and constructive actor in the SCO, Iran not only enhances its own national security but also contributes to the collective security of Central Asia. Furthermore, Iran's infrastructural investments in Tajikistan, such as the Sangtuda-2 hydroelectric power plant and the Anzab Tunnel, are tangible expressions of dialogue in action—where discourse is translated into development. These projects not only improve Tajikistan's economic resilience but also bind the two countries in interdependent networks of cooperation. Through dialogue, Iran and Tajikistan can thus craft a model of regional integration that is culturally congruent, economically viable, and politically stable. This model, if scaled appropriately within the SCO, could redefine regional politics in Central Asia by prioritizing discourse over confrontation.

In conclusion, the effectiveness of political dialogue as a non-military strategy lies in its capacity to align national interests with regional stability. Iran, drawing from decades of experience in cultural diplomacy, nuclear negotiations, and multilateral engagement,

has demonstrated a strategic understanding of dialogue as both a principle and a practice. In its relationship with Tajikistan, this has meant leveraging cultural affinity and shared strategic threats to build lasting partnerships. The Shanghai Cooperation Organization, by institutionalizing regional dialogue, offers the ideal venue for these efforts to mature into comprehensive policy frameworks. The current geopolitical landscape—marked by wars in the Middle East, the spread of extremism, and the fragmentation of international alliances—demands precisely such mechanisms of engagement. Through its sustained and principled dialogue with Tajikistan, and with broader Central Asia via the SCO, Iran not only secures its own interests but also contributes meaningfully to the construction of a more stable and cooperative regional order.

References

- Beyer, P. (2000). *Religion and Globalization SER - Theory, Culture and Society Series*.
- Koolae, E. (1997). Politics and Governance in Central Asia. In. SAMT Publications.
- Malekian, M. (2008). Cultural Interactions Between Iran and Tajikistan. *Specialized Quarterly of Political Science*, 1(1).
- Mojtahedzadeh, P. (1997). Geography and Politics in the World of Realities. *Political-Economic Information Quarterly* 120.
- Montazemi, R. (1993). Iran's Role in the New System of Central and South Asia. *Political-Economic Information Quarterly* (76).
- Montazemi, R. (1995). *Tajikistan*. Political and International Studies Office, Ministry of Foreign Affairs.
- Mousavi, S. R. (2003). *The Peace of Tajikistan as Narrated by Documents*. Ministry of Foreign Affairs Printing and Publishing Center.
- Абдулатипов, Р. Г. (1993). Время приходит к консенсусу. *Конфликты и консенсус*(3).
- Бахтиёр, М. (2006). ШОС с точки зрения России. *Ежеквартальный журнал МИД ИРИ*(55).
- Губагло, А. В., & Хашимов, Р. И. (1993). *Современные этноязычные процессы в СССР Таджикиско-русское двуязычие*. Наука Дониш.
- Дружиловский, С. Б. (2002). *Мировое сообщество и новая внешнеполитическая концепция Ирана*.
- Кокшаров, Н. В. (2003). Взаимодействие культур: диалог культур. *Credo new*(3).

- Мандана, М. (2005). *ШОС ва .вступление Ирана* Тегеранский Университет.
- Махмадов, С. (2011). *Диалог как механизм разрешения социально-политического конфликта* Душанбе.
- Моисеев, Л. (2010, 03.06.10). *ШОС перерастает региональные рамки*.
<http://infoshos.ru/ru/?idn=6050>
- Сажина, В. И. (2002). *Диалог цивилизаций: Россия и Иран*.
- Сейеда Садега, Х. (1991). *Политическая мысль в исламе*.
- Хамза, А. (2002). *Интересы и вред членства Ирана в ШОС* Тегеранский Университет.
- Шахрамния, С. (2007). *Джахони шудан ва демокраси дар Ирон*. «Нигоҳе муосир».